

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: باشگاه خبرنگاران جوان]

[تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۳۹۱]

آخرین رپورتاژ آگهی ستاد هنری فتنه برای اسرائیل

از همان اول با کمال تأسف معلوم بود که مخملباف از آن تب‌های تند است که زود سرد خواهد شد، اما همان تندی و داغی مانع از آن بود که این برودت قریب الوقوع را باور کنند؛ اما امروز دیگر در وجود او، باید ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد.

به گزارش خبرنگار سیاسی باشگاه خبرنگاران؛ محسن مخملباف پس از ساختن فیلمی ضد اخلاقی با عنوان سکس و فلسفه که در آن به صراحت اخلاق جنسی را زیر سوال برده و به قول شهید آوینی خود را مدافع لبرالیسم جنسی معرفی کرده بود، در تازه‌ترین به اصطلاح فیلم خود با عنوان باغبان به تبلیغ مستقیم فرقه ضاله بهائیت، پرداخته است.

مخملباف روزی در اوایل انقلاب اسلامی، با تولید فیلم‌هایی مانند توبه نصوح، تمام همیت خود را جهت بازگویی عقاید انقلابی به کار برده و خود را به عنوان کارگردانی انقلابی در میان مردم و کارشناسان معرفی کرده بود به‌طوری که با تفکرات خشک خود به منتقدانش حمله می‌کرد. مخملباف در دهه شصت در اعتراض به فیلم کم‌دی اجاره‌نشین‌ها قصد داشت با بستن نارنجک به خود، مهرجویی کارگردان فیلم اجاره‌نشین‌ها و خودش را منفجر کند که در نهایت به نگارش نامه تند به معاونت سینمایی وزیر ارشاد راضی می‌شود کوتاه بیاید.

اما با گذشت زمان، این کارگردان خشک و متعصب دهه شصت، که به عدم توازن شخصیت، معروف بوده در مواضع خود تغییرات بسیار زیادی انجام داد. مخملباف در روزهای فتنه سال ۸۸ با بازی در زمین دشمن به یکی از مهره‌های اصلی فتنه گران تبدیل شد. او در آن ماه‌ها با جبهه گرفتن علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را برای ضربه زدن به کیان نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفت تا سرانجام با فرار خود از کشور، خود را به عنوان سخنگوی یکی از سران فتنه در خارج معرفی کرده و نه تنها با فتنه‌گران مرزبندی انجام نداد، بلکه به ساخت فیلم‌هایی با سفارش جشنواره‌های غربی با درونمایه پورنوگرافیک و سیاه‌نمایی بر ضد ایران مشغول شد.

وی در آخرین ساخته‌اش که نشانه‌های وادادگی در برابر دشمن در آن بسیار مشهود است، در سفر به فلسطین اشغالی و با سفارش صهیونیست‌ها فیلمی به اصطلاح مستند به نام باغبان را جلوی دوربین برد. در این مستند مخملباف به همراه پسرش یک آگهی تبلیغاتی برای فرقه ضاله و انگلیسی ساخته بهائیت می‌سازد تا اوج انحراف فکری و عقیدتی خود را برملا سازد. اما با توجه به مشی ایران و اسلام ستیز بودن جشنواره‌های غربی انتظار می‌رود این فیلم آماتور جایزه‌های فراوانی را از آن خود کند.

در طول سال‌های گذشته جشنواره‌های ضد فرهنگی غربی و ضد ایرانی ثابت کرده‌اند که در دادن جایزه و امتیاز به کارگردان‌های ضد ایرانی ید طولایی دارند و در همین رابطه رپورتاژ آگهی جدید مخملباف برای فرقه ضاله بهائیت جایزه طلایی جشنواره بیروت در سال گذشته را کسب کرد. شایان ذکر است که این جشنواره در دو سال گذشته پذیرای فیلم‌های ضد ایرانی سینماگران فتنه ایرانی از جمله فیلم‌های حنا مخملباف دختر محسن مخملباف نیز بوده است.

فیلم بهایی باغبان چیست؟

باغبان نام فیلم مستندی است به کارگردانی عنصر به خدمت گرفته شده توسط صهیونیست‌ها و بهائیان یعنی محسن مخلصاف. این فیلم در حیفاً تصویر برداری شده است.

سران فرقه استعمار ساخته و وابسته بهائیت به سبب فقدان ایدئولوژی منطقی و قابل دفاع همواره سعی دارند در کنار نمایش باغ‌های اطراف مقبره سرکرده فرقه ضد دینی بهائیت با ظاهر فریبی و سر دادن شعارهای ضد جنگ و تبعیض به اغفال ساده لوحان قبیله‌های دور افتاده آفریقایی و بومیان جنگلهای آمازون بپردازند.

به اصطلاح فیلمسازان (مخلصاف و پسرش) با دوربین‌های DV کوچک و تجهیزات صدابرداری در باغ‌های فراخ اهدایی صهیونیست‌ها به بهائیان ظاهر می‌شوند و هیچ اثری از وجود سایر عوامل فیلمسازی به چشم نمی‌خورد.

رپورتاژ آگهی‌باغبان روایت سفر پدر و پسری فیلمساز است که برای تحقیق درباره فرقه ضاله بهائیت، به سرزمین‌های اشغالی و به باغ‌های بهائیان سفر می‌کنند و با یک باغبان بهایی و چند بهایی دیگر آشنا می‌شوند.

این فیلم که آگهی تبلیغاتی صهیونیست‌ها تبدیل شده است با هزینه مستقیم سازمان بهایی جهانی و صهیونیست‌ها ساخته شده و بدنبال تبیین آموزه‌های بهائیت برای مخاطبان است. مخلصاف با اغوا شدن در برابر پول‌های کثیف صهیونیست‌ها و بهائیان سعی دارد اصلی‌ترین پیام رپورتاژ خود را به مخاطبان ایرانی بدهد.

مخلصاف در این فیلم مذبحخانه کوشیده تا شاید با تطهیر فرقه ضاله بهائیت به عنوان فرقه‌ای ایرانی جا بزند و با تحریف اعتقادات انحرافی این فرقه، سعی در جلب نظر اقلشار جوان به سمت مبانی فکری آن کند.

پیش‌بینی شهید آوینی از آینده مخلصاف

یادداشت‌های یک تماشاگر حرفه‌ای عنوان مقاله‌ای بلند از شهید سید مرتضی آوینی است که در بردارنده یادداشت‌هایی کوتاه درباره عمده فیلم‌های حاضر در جشنواره فجر سال ۱۳۶۷ است. مخلصاف که به عنوان نویسنده فیلم فرماندار نیز در این دوره از جشنواره حاضر شده است، مورد نقد سید مرتضی قرار می‌گیرد. آوینی با میان تیتزر وقتی یک خشکه مقدس فرماندار می‌شود! به سراغ فیلم او می‌رود.

آوینی با اشاره به شخصیت مخلصاف می‌نویسد آدمی مثل او هرگز به جواب نخواهد رسید. شكاك است، اما این شك را مقدمه‌ی رسیدن به یقین و بعد هم قطعیت و قاطعیت قرار نمی‌دهد. فقط شك می‌کند و دیگران را به شك می‌اندازد و بعد هم رهایشان می‌کند، چرا که خودش هم به جواب نرسیده است.

او در ادامه می‌نویسد وقتی که به سینمای مخلصاف می‌روی باید قبول کنی که يك ساعت و نیم از زندگی‌ات را در يك فضای آکنده از بدخلقی، عصبانیت، ظاهرگرایی، تردید، نیهیلیسم مزمن بدخیم، سیاه‌اندیشی، سرگردانی و عوام‌فریبی سر کنی.

مخلصاف؛ مدافع لیبرالیسم جنسی

سید شهیدان اهل قلم و تفکر، معتقد است مخلصاف هنوز در اصول اعتقاداتش دچار شك و تردید است کسی که بر سر عدالت مشكل دارد باید بداند که پای عقل او در مسئله‌ی جبر و اختیار می‌لنگد؛ بگذریم از آنکه اصلاً جای مباحثه و حل مسائل فلسفی در سینما نیست. کسی تا به قطعیت نرسیده است نباید فیلم بسازد و اگر هم فیلم می‌سازد تا طرح مسئله کند، باید داستانی را طراحی کند که در طول آن، در متن وقایع و ارتباط میان افراد، این مسئله وجود پیدا کند. از زبان قاضی فیلم «نوبت عاشقی» می‌شنویم که قضاوت به درد کسی می‌خورد که به نتایج عمل مجرم فکر می‌کند نه به دلایلش. و درست خود آقای مخلصاف هم به همین درد مبتلاست.

آوینی که نمیدانست کار به جایی برسد که روزگاری محسن مخلصاف به عنصر دست‌ساز آگهی برای صهیونیست‌ها تبدیل شود، در ادامه این یادداشت او را مدافع لیبرالیسم جنسی معرفی کرده و می‌نویسد در جامعه‌ای که «جبر موقعیت و شرایط» بسیاری از جوانان کشور را وا داشت تا خود را برای آزادی فدا کنند، جبر همان موقعیت و شرایط بجه مسلمان دیگری را هم وا داشت تا خط بطلان بر هرچه داشت بکشد و در صف اصحاب هربرت مارکوز و پوپر از لیبرالیسم جنسی دفاع کند! به راستی از «جبر محیط» چه کارها که بر نمی‌آید!

حضور مخلصاف در سرزمین‌های اشغالی این روزها هزینه سنگینی را برای جریان فتنه داخل و حامیان او ایجاد کرده است. حضور مخلصاف در دامان صهیونیست‌ها برای ساخت رپورتاژ آگهی بهائیت سر و صدای بسیاری در میان اهالی

فضاي مجازي ايجاد کرده بود و کرده است تا اينکه خبرنگار باشگاه خبرنگاران در جديدترين كسب اطلاع خود از وضعيت زندگي مخملباف در پاریس به نتايج جالبي رسيد

اظهار نظرهاي ضد ايراني در كجا ساخته و پرداخته مي‌شوند؟

در جديدترين اطلاعاتي كه به دست خبرنگار باگشاه خبرنگاران رسیده است، محسن مخملباف با اردشير امير ارجمند، يكي از سركرده‌هاي گروهك تروريستي منافقين روابط بسيار نزديكي برقرار کرده و به طور متوسط ملاقات‌هاي منظمي را با وي در رستوران‌هاي مختلف پاریس انجام مي‌دهد. افشاي اين رابطه اين حقيقت را به ذهن متبادر مي‌كند كه محسن مخملباف براي تامين هزينه‌هاي زندگي و ساخت به اصطلاح فيلم‌هاي خود علاوه بر كمك گرفت از فرقه ضاله بهاييت دست گدايي به سمت يكي از گروهك‌هاي تروريستي كه دست اعضاي ان به خون بسياري از شهدياي کشور آلوده است دراز کرده و از آن‌ها درخواست كمك مي‌كند!

مخملباف در كجا اقدامات ضد ايراني خود را با امير ارجمند يك كاسه مي‌كند؟

مخملباف و اردشير امير ارجمند، قرارهاي ملاقات و برنامه‌هاي خود را در رستوراني با نام نوتردام در بلوار سن‌ميش پاریس انجام مي‌دهند. شايدان ذكر است كه اين رستوران اتاق فكر و پاتوق اصلي ديدارهاي امير ارجمند و محسن مخملباف است.

در همين بلوار سن‌ميشل، رستوران ديگري با نام لاوازيا وجود دارد كه برخي از ملاقات‌هاي مخملباف با سركرده‌هاي گروهك منافقين در آنجا انجام مي‌شود.

طبق بررسي‌هاي انجام شده، رستوران ديگري مقابل رستوران لاوازيا با نام لاپاستا وجود دارد كه به اتاق فكر سازمان‌هاي اطلاعاتي غرب، سركرده‌هاي گروهك تروريستي منافقين مانند اردشير امير ارجمند به همراه محسن مخملباف رپرتاژ تبليغاتي فرقه ضاله بهاييت و رژيم صهيونيستي تبديل شده است.

مخملباف هزينه خريد خانه مجلل خود را از كجا آورده است؟

همچنين، خانه‌اي كه محسن مخملباف با پول‌هايي كه از سرويس‌هاي جاسوسي اسراييل و سركرده‌هاي فرقه ضاله بهاييت در فرانسه بدست آورده است، در حوالي همين بلوار روبروي پاساژ رومانره مونتروژ قرار دارد.

[متن بالا رونويسي از اصل سند است. اگر به نکته‌اي برخورد كرديد كه دقيق رونويسي نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستيد]